

بازداشتگاه بردگان

روایتی مستند از آخرین محموله‌ی سیاه

ترجمه‌ی مهدی گازر

زورا نیل هرستن





- سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور : هراستون، زورا نیل، ۱۸۹۱-۱۹۶۰ م. Hurston, Zora Neale, 1891-1960
هرستن ! : بازداشتگاه بردگان : روایتی مستند از آخرین محموله‌ی سیاه/ زورانیل
- مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک
وضعیت فهرست نویسی
یادداشت
موضوع
موضوع
- تهران : قلمی، ۱۴۰۱.
۱۸۴ ص.؛ جدول؛
۹۷۸-۶۰۰-۰۰۸-۱۴۲۶-۷ :
فیفا
Barracoon : the story of the last «black cargo», 2019. : عنوان اصلی :
Lewis, Cudjo : لوئیس، کاجو
بردگان -- ایالات متحده -- آلاباما -- تاریخ -- قرن ۱۹ م. -- سرگذشتنامه
Slaves -- Alabama -- History -- 19th century -- Biography : موضوع
بردگان -- ایالات متحده -- آلاباما -- سرگذشتنامه : موضوع
Slaves -- Alabama -- Biography : موضوع
برده‌فروشی - آفریقا - تاریخ - : موضوع
Slave trade -- Africa -- History -- 19th century. : موضوع
کشتی‌های حمل بردگان -- ایالات متحده -- آلاباما : موضوع
Slave ships -- Alabama : موضوع
آفریقاییان غرب -- ایالات متحده -- آلاباما -- تاریخ -- قرن ۱۹ م. : موضوع
West Africans -- Alabama -- History -- 19th century : موضوع
موبیل (ایالات متحده) -- تاریخ -- قرن ۱۹ م : موضوع
Mobile (Ala.) -- History -- 19th century. : موضوع
Plant, Deborah G., 1956- : شناسه افزوده
پلنت، دبرا جی، ۱۹۵۶- م.، ویراستار : شناسه افزوده
گازر، مهدی، ۱۳۶۲- (مترجم) : رده بندی کنگره
E۴۴۴ : رده بندی دیویی
۳۰۶/۳۶۲۰۹۲ : شماره کتابشناسی ملی
۷۵۹۸۸۳۲ : اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیفا



५५...

شماره ۱۱۶

مقدمه‌ای از آلیس واکر	۱۷
مقدمه‌ی ویراستار	۲۱
یادداشت ویراستار	۳۳
پیش‌گفتار نویسنده	۳۷
مقدمه‌ی نویسنده	۳۹
فصل اول - ذره‌ای از آفریقا	۴۹
فصل دوم - پادشاه وارد می‌شود	۵۶
فصل سوم - مرگ پدر بزرگ	۶۳
فصل چهارم - خاک‌امی در نخستین پاگشایی	۶۶
فصل پنجم - حمله‌ی هولناک داهومی	۷۲
فصل ششم - بازداشتگاه بردگی	۷۸
فصل هفتم - دوران بردگی	۸۴
فصل هشتم - آزادی	۸۹
فصل نهم - ازدواج	۹۳
فصل دهم - کزولا قوانین را می‌آموزد	۹۹
فصل یازدهم - ناقوس مرگ در خانه‌ی کزولا	۱۰۴
فصل دوازدهم - تنهایی	۱۱۱
ضمیمه	۱۱۵
مؤخره و ملحقات	۱۲۹
مؤخره‌ی ویراستار	۱۳۱
تقدیر و تشکر	۱۵۱
واژه‌نامه	۱۵۷
یادداشت‌ها	۱۶۷

مقدمه‌ای از آلیس واکر^۱

«آنانی که عاشق ما هستند هرگز در بحبوحه‌ی غم‌واندوه ما را تنها نمی‌گذارند.»

آنانی که عاشق ما هستند هرگز در بحبوحه‌ی غم‌واندوه ما را تنها نمی‌گذارند، و در همان حال که زخم‌هایمان را به رخ می‌کشند مرهمی بر آن می‌نهند. کتاب «بازداشتگاه بردگان: روایتی مستند از آخرین محموله‌ی سیاه» مثالی عینی از این حقیقت است. به یاد ندارم که پیش از این کتابی دردناک‌تر و جان‌کاه‌تر از این کتاب خوانده باشم؛ کتابی برای متعهدماندن ما به انجام وظیفه و رساندن پیام اجدادمان به گوش بشریت؛ کتابی برای همه‌مان که در اقصی نقاط این جهان پهناور و حتی حین انجام کارهای روزمره‌مان به یکدیگر مرتبطیم و برای اعتلای نام نیاکانمان به فعالیت مشغولیم؛ برای کسانی که تحت بردگی سفیدپوستان ظالم یا کنجکاو یا بی تفاوت (البته با اندک استثنائاتی) زندگی می‌گذرانند و در تعلیقی بی‌اساس و متزلزل، از زندگی واقعی خود بریده شده‌اند؛ برای ما که - فارغ از تمامی شرارت‌ها و خباثت‌هایی که شاهدشان بوده یا در معرضشان قرار گرفته‌ایم - در مسیر محافظت از انسانیت و برای تجربه‌ی خوشی‌های زندگی می‌جنگیم.

۱. آلیس ملسنیور واکر (Alice Malsenior Walker): شاعر، رمان‌نویس و فعال سیاسی آمریکایی - آفریقایی تبار و نخستین نویسنده‌ی سیاه‌پوست برنده‌ی جایزه‌ی پولیتزر در بخش داستان است. م.

مخاطب به مجرد خواندن این کتاب، گرفتاری‌ها و معضلاتی را که بسیاری از سیاه‌پوستان، به‌ویژه روشن‌فکران و رهبران سیاسی‌شان، در گذشته‌های نه‌چندان دور با آنها رودررو بوده‌اند درک می‌کند. کتاب بازداشتگاه بردگان بی‌پرده تمامی قساوت‌های قومی سرزمین آفریقا را که مردمش مدت‌ها پیش‌تر از آنکه به‌عنوان آفریقایی‌های غل‌وزنجیرشده، زخمی، بیمار، سرگشته و گرسنه به‌عنوان محموله‌های سیاه بار کشتی شوند و به غرب جهنمی پای بگذارند بر یکدیگر روا داشته‌اند به تصویر می‌کشد. چه کسی تابوتوان مواجهه با این حجم از رفتار وحشیانه و ستمگرانه‌ی برادران و خواهران دینی ما را دارد که شاید بتوان گفت برای نخستین بار- نه سفیدپوستان، بلکه- هم آنان بوده‌اند که غل‌وزنجیر را بر دست‌وپای اجداد ما نهاده‌اند؟ چه کسی طاقت آن را دارد که خطبه‌خط و واژه‌به‌واژه بداند چگونه سران برخی از قبایل آفریقایی عامدانه مردم سایر قبایل را می‌ربودند و بر طبل جنگ‌های ویرانگر می‌کوبیدند تا مرد و زن و کودک متعلق به آن آب‌وخاک را به اسارت درآورند و به معامله‌ای نافع با سوداگران برده تن دهند؟ آن چنان بی‌شرمانه و کریه تن به این خفت و ذالت دادند که حتی خواندن آن وقایع، دو قرن پس از وقوعشان، موجی از وحشت و پریشانی در آدمی به راه می‌اندازد. و این چنین، موسسین در این کتاب، زخم‌ها را آشکار می‌کنند.

بار دیگر نبوغ سرشار زورا هرستن شاهکاری بی‌نظیر را رقم زده است. اما منظورم از شاهکار چیست؟ «شاهکار» ژرف‌نمایی ظریف و لطیف یا بخشی از یک ساختار- چه در ذهن و چه جسم- است که در خلاء آن، تمامی ساختار سبک و ناپایدار شمرده می‌شود. واقعیت این است که ما همیشه از این عبارت واهی و نادرست رنج برده‌ایم که «آفریقایی‌ها صرفاً قربانی تجارت برده بوده و مشارکتی در آن نداشته‌اند!» اما زورای بینوا، این انسان‌شناس توانمند و دختری از اینتونویل^۱ فلوریدا^۲ تصمیم می‌گیرد از حقیقت ماجرا، همان‌گونه که اتفاق افتاده برده بردارد. و این‌گونه، عازم سفر می‌شود و با کاجو لوئیس هم‌نشین می‌شود و صمیمانه به خوردن هلو و هندوانه دعوتش می‌کند (فقط تصور کنید که چند نسل از سیاهان هرگز مجاز به خوردن هندوانه نبوده‌اند). او داستان‌های مخوف بردگان را از زبان کاجویی می‌شنود که درواقع، آخرین فردی

بود که می‌توانست آنها را بازگو کند: اینکه چگونه پای سیاهان به آمریکا باز شد؛ سیاه‌پوستان و سفیدپوستان آمریکایی چگونه با ما برخورد کردند؛ چگونه آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار، هم‌رنگان خود را به بردگی گرفتند، در پی تمسخرشان برآمدند، نمک بر زخمشان پاشیدند و زندگی جهنمی هم‌نوعان خود را دشوارتر کردند. چگونه سفیدپوستان با بردگان همچون یک دستگاه و ابزار کار برخورد کردند؛ دستگاهی که اگر به قدر کفایت جان نمی‌کند شلاق و تازیانه در انتظارش بود! دستگاهی که در صورت تمایل سفیدپوستان می‌توانست نقص عضو شود، مورد تجاوز قرار گیرد یا حتی نابود شود! دستگاهی که به راحتی فریب می‌خورد، بدون آنکه مجرم سفیدپوست لحظه‌ای احساس گناه کند.

در ادامه‌ی کتاب، داستان زندگی کاجو لوئیس پس از رهایی را می‌خوانیم. سعادت و خوشبختی ناشی از «رهایی» موجب می‌شود تا او جامعه‌ای متشکل از بردگان آزاد را بنیان نهد و در آن به ساخت خانه و کلیسا برای خودشان مشغول شوند. از عشقش به همسر و فرزندان می‌خوانیم، و از مرگ و میر هولناکی که دچارش می‌شوند. در این کتاب، از مردی می‌خوانیم که عمیقاً دل‌تنگ آفریقا و قومش است و ما را با حقیقتی شکوهمند و تحسین‌برانگیز روبرو می‌کند که عمری به دنبال فرار از آن هستیم: چقدر ما در این سرزمین بیگانه و غریب نهایییم؛ چه اندازه دل‌تنگ فرهنگ راستین، مردم و پیوند یگانه‌ای هستیم که ما را به درکی ویژه از جهان پیرامونمان رهنمون می‌کنند و شوق دیدار دوباره‌ی سرزمینمان را، همچون کاجو لوئیس، برای همیشه از دست‌رفته می‌دانیم. اما در بحبوحه‌ی تمام این دل‌تنگی‌ها، در متن کتاب شاهد شرافت و اصالت «روحی» هستیم که تا نقطه‌ی زوال عذاب کشیده اما کماکان برای جامعیت، زندگی و بخشنده‌ی دست‌وپا می‌زند. رشد و نمو در عشق موجب ژرف‌اندیشی کاجو می‌شود و خرد و فرزاندگی‌اش چنان نمود می‌یابد که دوستان دیرینه از او درخواست بیان روایات و حکایات اخلاقی می‌کنند تا از اخلاق و منش کاجو درس بیاموزند؛ یعنی همان کاری که در آن همت کرد: پیشکش صلح.

و حال زمان درمان زخم‌هاست.

اگرچه قلب‌ها همواره غمگین می‌شوند شادمانی هم می‌تواند در لحظه‌ای کوتاه سر برآورد و از آنجایی که همین دم تمام زمانی است که در اختیار داریم، قادریم

امیدوارانه به زندگی مان ادامه دهیم. غالباً این گونه است که هرکسی را که عزیز می‌شماریم به نحوی از دست می‌دهیم اما از سوی دیگر، در همان لحظات زجرآور و ناامیدکننده، جوانه‌های لوبیا و هندوانه‌ای که کاشته‌ایم سر از خاک برمی‌آورند. نهالی می‌کاریم. زمین را شخم می‌زنیم و محصول برداشت می‌کنیم و با همسایگانمان شریک می‌شویم. اگر انسان‌شناس جوانی به دیدارمان بیاید و از دو تکه همبرگرش یکی را به ما هدیه کند^۱ در پی لذت‌بردن از آن برمی‌آییم و این چنین است که «زندگی»، پرتوان و بی‌وقفه ادامه می‌یابد و ما هم در این مسیر، پرتوان و خستگی‌ناپذیر گام برمی‌داریم و توأمان، بار دردها و درمان‌های خود را به دوش می‌کشیم.

روایت سفر ما، سیاهان، به آمریکا شگفت‌انگیز، جذاب و تماشایی است و چنان قابل ملاحظه و برجسته است که همگان باید قدردانش باشیم. چه‌بسا سیاره‌ی ما مکانی برای قدردانی از شگفتی‌های خارق‌العاده‌ی زندگی باشد؛ شگفتی‌هایی که حتی شاید از اعماق تلخ‌ترین آلام جان‌کاه سربرآورند. باید آموخت و حتی از پس اشک‌بارترین چشمان به استقبال این شگفتی‌ها رفت...

الیس واکر

مارس ۲۰۱۸